

برنامه‌ی درسی ملی، طراحی آموزشی  
و توجه به «صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک»

# «پود»ی مناسب برای «تار» اهداف

طیبه حمزه‌بیگی

کارشناس مسئول گروه هم‌آهنگی ابتدایی  
دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

در یک یا چند کتاب درسی، برای افزایش اطلاعات فراگیران در آن زمینه محدود شده و این امر موجبات کاهش دامنه‌ی اثرگذاری آن‌ها را فراهم می‌آورد. حال چاره‌ی کار چیست؟

برنامه‌ی درسی ملی به عنوان سندی که نقشه‌ی کلان برنامه‌ی درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند، براساس مبانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توان‌مندی‌های بومی و ملی و بهره‌برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه‌ی پویای ایران اسلامی، الگوی تازه‌ی از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه داده است و گامی مهم در راستای مستندسازی و کیفیت‌بخشی نظام تعلیم و تربیت کشور به حساب می‌آید.

چنین به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی ملی به مسئله‌ی فوق‌الذکر واقف بوده‌اند و برای آن راه‌حل‌هایی پیش‌بینی کرده‌اند. توجه به «صلاحیت‌ها و

برآوردن انتظارات اجتماعی ناکافی و گاه نامناسب بوده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد درباره‌ی موفقیت نظام آموزشی در افزایش معلومات و دانش فراگیرندگان تا این حد اعلام نارضایتی نمی‌شود!

در نگاه اول علت این امر ممکن است توجه نکردن به این نیازها در مجموعه‌ی اهداف آموزش و پرورش و به دنبال آن برنامه‌های درسی و آموزشی به نظر برسد، در حالی که ملاحظه‌ی اسناد مصوب موجود نشان‌دهنده‌ی کفایت و حتی گاهی زیاد بودن اهداف قلمروهای مذکور در سطوح دوره‌های تحصیلی، برنامه‌های درسی و واحدهای یادگیری است.

دلایلی موجب شده است تا با وجود این‌گونه اهداف در اسناد بالادستی، ردپای دقیق آن‌ها در رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموختگان به‌وضوح دیده نشود. تخصیص هر چند مورد از اهداف دوره‌های تحصیلی به برنامه‌های یکی - دو ماده‌ی درسی از جمله‌ی این دلایل است. به این ترتیب، اهداف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و نظایر آن‌ها نیز به ارائه‌ی چند مفهوم و مطلب

یکی از راه‌های پی‌بردن به کم و کیف موفقیت نظام‌های آموزشی، بررسی تناسب خصوصیات دانش‌آموختگان آن با نیازهای جامعه در ابعاد شغلی، خانوادگی و اجتماعی است. این نیازها، معمولاً در قالب مطالبات و انتظارات عمومی افراد و نهادهای گوناگون متجلی شده و آنان برحسب مشاهداتشان، در این خصوص ارزش‌گذاری و قضاوت می‌کنند. لذا ضروری است نظام‌های آموزشی همواره به بررسی و ارزش‌یابی موفقیت و کارایی خود پرداخته و عملکرد خود را از این منظر به نقد و تحلیل بگذارند. بدیهی است این امر در ارتباط با نظام آموزشی ما نیز ضرورت دارد.

اعلام نارضایتی گاه و بیگاه والدین، صاحبان حرفه‌ها و مشاغل، مسئولان فرهنگی، قضایی و انتظامی کشور از برخی ویژگی‌ها و نمودهای رفتاری خروجی‌های نظام آموزش رسمی، حکایت از آن دارد که فعالیت‌های مدرسه به عنوان متصدی امر یادگیری، برای

## جدول عناصر صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک

عناصر	صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک
تفکر و تعقل	تخیل، حل مسئله، تفکر انتقادی، ابداع و خلق، تفکر سیستمی، پرسش‌گری، کاوش‌گری، هدایت مشاهدات، تحلیل، قضاوت براساس شواهد، تصمیم‌گیری، قضاوت براساس نظام معیار (تعقل)، تأمل در خود، خودارزش‌یابی
ایمان و باور	نگرش توحیدی، کرامت و قدرت اراده و انتخاب انسان، ارزشمندی تفکر و تعقل، ارزشمندی مخلوقات، هدفمندی خلقت، ارزشمندی علم و علم‌جویی، ارزشمندی نهاد خانواده، وطن‌دوستی
علم	کشف جهان به عنوان فعل خداوند، خودآگاهی، فرهنگ و هویت
کار و عمل و مجاهدت	یادگیری مستمر، خودمدیریتی، انجام واجبات و ترک محرمات، مشارکت، همیاری، مهارت کار با دیگران، مهارت‌های ارتباطی، مهارت رهبری، مطالعه و پژوهش، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تولید محصول
اخلاق و آداب	حفظ و پالایش انگیزه‌ها (نیت)، خودپایی و خودپالایی، اعتماد به نفس، مسئولیت‌پذیری، انعطاف، اخلاق حرفه‌ای، پشتکار، نظم و قانون‌مداری، صدق، صبر، عدالت‌خواهی و حق‌طلبی، حسن خلق، احسان و رأفت، قناعت، استقامت و حیا

یادگیری‌های مشترک» به جای توجه صرف به مفاهیم و موضوعات مرتبط با اهداف در هر یک از برنامه‌های درسی، یکی از این راه‌حل‌ها است. این امر باعث می‌شود به جای توجه یک برنامه‌ی درسی به یک موضوع، همه‌ی برنامه‌های درسی محتوای آموزشی خود را حول محور صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک سازماندهی کنند و از این طریق، دانش‌آموزان پس از گذراندن دروس دوره و پایه‌ی تحصیلی، به جای کسب اطلاعات وسیع و پراکنده درباره‌ی موضوعات گوناگون و متنوع، به مجموعه‌ای از مهارت‌های پایه و اساسی برای ایفای بهینه‌ی نقش خود در زندگی فردی و اجتماعی دست یابند.

مطابق با آخرین نسخه‌ی برنامه‌ی درسی ملی، صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک، آن دسته از یادگیری‌هایی هستند که همه‌ی خروجی‌های آموزش و پرورش بتوانند به گونه‌ای به آن‌ها دست یابند؛ لذا در همه‌ی حوزه‌های یادگیری<sup>۱</sup> حضور دارند و بین آن‌ها پیوند برقرار کرده و در همه‌ی عناصر برنامه نمود و بروز پیدا می‌کنند. این صلاحیت‌ها و یادگیری‌ها براساس عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری که در جدول بالا آمده است،

شکل می‌گیرند.

صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک می‌توانند در بخش‌های برنامه‌های درسی یک حوزه‌ی یادگیری، از اهداف گرفته تا اصول حاکم بر انتخاب و سازمان‌دهی محتوا و راهبردهای یاددهی - یادگیری و ارزش‌یابی، متجلی شوند. با توجه به اهمیت آن‌ها و ارتباطشان با دست‌یابی به حیات طیبه که هدف غایی آموزش و پرورش است، پرورش آن‌ها حتی می‌تواند به عنوان رسالت اصلی دوره‌های تحصیلی به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی در نظر گرفته شود؛ به نحوی که شالوده‌ی تدوین اهداف دوره از دریچه‌ی صلاحیت‌ها باشد و نه موضوعات و مفاهیم وابسته به رشته‌های علمی. به این ترتیب و به عنوان مثال، به جای آن‌که «رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی» به عنوان یکی از اهداف اصلی حوزه‌ی «سلامت و بهداشت و تربیت‌بدنی و تفریحات سالم»، محور طراحی یک واحد یادگیری قرار گیرد و «تصمیم‌گیری» به عنوان یکی از صلاحیت‌های وابسته به عنصر تفکر در زمینه و بستر آن رشد کند، رشد قوه‌ی تصمیم‌گیری به عنوان یکی از مهارت‌های پایه‌ی یادگیری،

هدف اصلی برنامه قرار گرفته و موضوع رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی سرفصل آموزش آن می‌شود. با زمینه‌سازی برای اجرای کامل برنامه‌ی درسی ملی و نظر به ماهیت «صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک» و تناسب آن‌ها با راهبردهای یاددهی - یادگیری، فرآیند تدریس بهترین محمل برای توجه به این مهم است. چنان‌چه معلمان صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک را چون «پود» به «تار» اهداف دروس بافته و اساس طراحی‌های آموزشی خویش قرار دهند، زمینه برای تحقق این بخش از برنامه فراهم خواهد شد و دانش‌آموزان هرچه زودتر از منافع آن بهره‌مند می‌شوند. امید است آموزگاران محترم طرح‌ها و پیشنهادهای خود را در این زمینه به دفتر مجله ارسال کنند تا منشاء خلق ایده‌های عملی برای سایر همکاران شود.

**پی‌نوشت**  
 ۱. حوزه‌های یادگیری، بستر اصلی برای تسهیل فرآیند تعلیم و تربیت، برای دست‌یابی به اهداف برنامه‌ی درسی ملی هستند. هر یک از حوزه‌های یادگیری، گستره و محدوده‌ی دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با یادگیری مترقیان پیش‌دستانی تا پایان دوره‌ی متوسطه را توصیف می‌کنند. این حوزه‌ها حدود محتوایی و روش‌ها و فرآیندها و عناصر کلیدی یادگیری را روشن می‌سازند.